

نویسنده - (Alfred W McCoy)

پرو فیسور تاریخ در:

University of Wisconsin-Madison ایالات متحده امریکا

برگردان: محمد عارف عرفان

لندن - مورخ 12 اپریل 2010

جنگهای تریاک در افغانستان

مسائلی که تا کنون از انظار اکثر ناظرین سیاسی بدور مانده است، عبارت است از گرفتار شدن اداره بازرگانی او با ما در یک چرخشگاه بی پایان "مرگ" و "مواد مخدر" در افغانستان بوده که برای آن نه آشکارا راه خروج و نه به سهولت راه پایان دیده میشود.

بعد از یکسال مباحثات احتیاط آمیز و جای پرهزینه نیروهای مسلح، آقای او با ما در 13 فبروری سال روان استراتژی جدید جنگی خویش را در یک ساحت دور دست در «مارکیت شهری» ما رجه در حوزه جنوبی افغانستان یعنی ولایت هلمند برآورد. طوریکه شمار زیاد هلیکوپترها در حومه مارجه دیسانت گردید و در میان برانگیختن انبوهی از گرد و خاک، صد ها تن از سربازان امریکایی از بالای زمین های خشکسالی بسوی حصار های "گلی" که در خود صد ها لایه توار تولید هیروین را پنهان نموده بود سرازیر گردیدند؛ بعد از یک هفته نبرد قوماندان نظامی ایالات متحده امریکا، جنرال مک کریستال با همراهان خویش، معاون ریس جمهور افغانستان و والی هلمند به منظور جلب توجه رسانه ها در مورد استراتژی جدید نظامی، و تسلط حاکمیت در قراء دور دست کشور مثل "مارجه" به سرعت نمایان گردید.

قوماندان امریکایی که در یک متینگ و ملاقات احتیاط آمیز دو صد نفری که با خشم و اعتراض رو ستایان و تهدید شان در مورد برنامۀ زدايش کشت خشکسالی مواجۀ شده بودند بطور عجیبی از اینکه ما رجه با داشتن صد ها لایه توار هیروین در میان منازل که بطور منظم پروسس خشکسالی و تولید هیروین را پیش میبرد، لقب "پایتخت هیروین" جهان را به خود تخصیص داده است، بیخبر جلوه مینموندند. رویهمرفته مزارع مربوط به هلمند "40" فیصد تولیدات خالص تریاک جهان را احتوا نموده که تجارت مقدار زیاد این محصولات در ما رجه صورت میگیرد. چنانچه یک کارمند سفارت ایالات متحده امریکا در کابل که ساحت مورد نظر را مورد تفتیش قرارداد خا طرنشان ساخت: « شما بدون مهار ساختن تولیدات هیروین در هلمند، به جنگ پیروز نخواهید شد ».

به سلسله واکنش های قبلی پیرامون موضوع خشکسالی، مشاور امنیت ملی ایالات متحده امریکا James L Jones "به خبرنگاران اطمینان داد که آقای او با ما تلاش خواهد نمود تا آقای کرزی را برای او لویت بخشیدن مبارزه در جهت مبارزه با فساد و تجارت مواد مخدر که به منزله ما شین اقتصادی برای شورشیان میباشند، تشویق نماید.

با توجه به عکس العمل زارعین ما رجه در برابر قوماندان عمومی ایالات متحده امریکا و برهم زدن پروگرام خبری اش، این محصولات خشکسالی آنها بوده که برای مدت 30 سال، تمام رژیم ها را در افغانستان سرنگون نموده است. در جریان "جنگ مخفی" آسیا در سال های 80، این تریاک بود که به تا مین کننده وجوه مالی مجا

هدین مبدل شده و اتحاد شوروی را مجبور به خروج ساخت و باعث سقوط نظام طرفدار شوروی در افغانستان گردید.

در اواخر سالهای 1990، چینیکه گروه طالبان نیروی خویش را در اکثر نقاط کشور چیره نموده بود، چانس مشروعیت خویش را در برابر جوامع جهانی به علت حمایت آن گروه از تولید و تجارت مواد مخدر و مفا دیرا که از این معاملات بدست می آوردند، از دست داد. و بعداً بطور عجیبی، زمانیکه بر عکس جریان قبلی، زرع خشکاش را ممنوع ساختند، فقط چند ماه بعد از آن از قدرت ساقط شدند.

بعد از مدخله ایالات متحده آمریکا در سال 2001 در افغانستان، تشدید معاملات تریاک در کشور، حاکمیت کابل را فاسد نموده و در عین زمان باعث تقویت نیروی طالبان و کنترل بیشترشان در ولایات کشور شده است؛

با یادگفت که تداوم جنگ های مستمر در افغانستان باعث رشد بیرحمانه محصولات تریاک در کشور گردیده چنانچه میزان محصولات که در سال 1979 بالغ بر 250 تن بود، در سال 2007 به 8200 تن ارتقا نمود. که در حال حاضر 50% محصولات ناخالص ملی را احتوا نموده و 90% هیروین جهان را تولید و تحیه میدارد؛ در سالهای اخیر فارم های خشکاش که هر گاه از یکسو بتعداد «500000» فامیل افغان را که تقریباً 20% نفوس کشور را در بر می گیرد، تغذیه نموده، در عین زمان باعث ایجاد بنیاد مالی برای طالبان نیز شده که شبکه های آنها از سال 2006 در اطراف کشور توسعه یافته است.

سوالی را که واشنگتن طی «9» سال اخیر از آن طرفه رفته است با دید پرسیده شود که آیا کسی بطور تمام عیار «کشور مخدر» مثل افغانستان را آرام خواهد توانست؟

جواب این سوال جدی، مرتبط است به تاریخ سه جنگ افغان که واشنگتن طی 30 سال اخیر در آن درگیر بوده است. جنگ مخفی سیا در سالهای 1980، جنگ های تنظیمی سالهای (1990) که در آغاز بوسیله سیا 900 میلیون دالر هزینه مالی گردید، و تجاوز و اشغال افغانستان بوسیله آمریکا در سال 2001 و کمپاین مبارزه با تروریسم؛

در هر یکی از این جنگ ها، ایالات متحده آمریکا، تجارت مواد مخدر را با متحدین افغانی خود، به قیمت پیروزی نظامی خویش، همراهی نموده است. البته پالیسی ملایم که اکنون افغانستان را به کشور نمبر یک مواد مخدر در جهان مبدل نموده است؛

توسعه مزارع خشکاش که بوسیله جنگ مخفی سیا علیه اتحاد شوروی در افغانستان آغاز یافت، به حیث نیروی کلیدی در سیاست افغانستان در جنگ مخفی سیا علیه اتحاد شوروی و سرانجام در برخی از عملیات های مخفی در نوار کوهستانی آسیا که ساعات «8000» کیلومتر را از ترکیه تا یلند احتوا مینماید ظاهر گردید؛

در اواخر سالهای 40 زمانیکه جنگ سرد نیروی گرفتاری ایالات متحده آمریکا، برای بار اول آزمایش مخفی را در شکم «کمونیسم آسیای بکار برد». پس از آن برای مدت 40 سال جنگ های موفقانه را در این نوار کوهستانی در سال 1950 در برما «میانمار» در سال 1960 در لائوس و افغانستان در سال 1980 بسر رسانید. در یک تصادم مشهور تاریخی، کشور کمونیستی چین و اتحاد شوروی در عین نوار کوهستانی این زون تریاک بطور همزمان قرار گرفتند که پای «سیا» را در میان متحدین مشکوک و جنگ سالاران پر قدرت منطقه می کشانید.

جنگ اول واشنگتن علیه افغانستان در سال 1979، زمانیکه اتحاد شوروی بر افغانستان تجاوز (!) نمود و سعی کرد تا رژیم مارکسیستی (!) را در کابل حمایت نماید، آغاز گردید. در کابل فرصتی برای اداره ریگن

پدیدار گر دید تا انتقام خویش را از دشمن دوران جنگ سرد خود ستانیده و بدینوسیله اداره ریگن بطور نزدیک با دیکتاتور پاکستان در یک کمپین ده ساله سیار کار نمود تا شوروی ها را از افغانستان خارج نماید؛ این هر چند برخلاف سایر جنگ های سرد، یک عملیات مخفی بود، اما قبل از همه، تصادم عملیات مخفی سیا و جنگ اتحاد شوروی، باعث ویرانی محیط شکننده کشور کوهستانی و خساره مند ساختن جبران نا پذیر زراعت عنعنوی و ورشکستگی تجارت جهانی مواد مخدر گردید. سال زمان سیار برخلاف سال های جنگ در کشور های لائوس و ویتنام که جنگ مخفی را در اختیار خود داشت، اینبار سال زمان سیا قسمت زیاد عملیات های خویش را به سال زمان استخباراتی پاکستان «آی اس آی» محول نمود که به زودترین فرصت به نیروی بزرگ و متحد جنجال بر انگیز مبدل گردید؛

زمانیکه «آی اس آی» هوادار خویش حکمتیار را به حیث رهبر عمومی مقاومت در جنگ علیه شوروی پیشنهاد نمود و اشگتن با چنین الترنیتیف اظهار موافقت کرد که در جریان 10 سال آینده سال زمان سیا حدود دو بلیون دالر برای مجاهدین افغان از طریق «آی اس آی» تدارک نمود که البته نصف آنرا برای حکمتیار کسبیکه بنام شرارت پیشه و بنیادگرا، و تیزاب پاش بر روی دختران دانشگاه کابل و قاتل رهبران مقاومت ابو زیسون شهرت یافته بود اختصاص داد؛

زمانیکه عملیات سیا در ماه می 1990 دچار اشکالات گردید، و اشگتن پست در سر مقام خویش منتشر ساخت که حکمتیار عملیات شبکه لائبراتور هیروین را در داخل پاکستان تحت حفاظت «آی اس آی» به پیش میبرد. هر چند این ساعات، در اواسط سال های 1970 قابلیت تولید اندک هیروین را به خود اختصاص نموده بود، اما جنگ مخفی سیا به حیث «کتلیست» ساحه مرزی «افغانستان - پاکستان» را به منطقه بزرگ هیروین جهانی مبدل نمود، طوری که جنگ جوان مجاهدین ساعات عمده را در داخل افغانستان در اواسط سال های 1980 تصرف نمود، ایشان جمع آوری نکس «انقلابی» خشخاش را از طریق دهاقین هوادار خویش آغاز نمودند؛

زمانیکه جنگجویان افغان تر یک را در نوار مرزی انتقال نمودند، آنها تر یک متذکره را برای لائبراتور های هیروین که تحت حفاظت «آی اس آی» فعالیت مینمودند بفروشی می رسانیدند. میان سال های 1981-1990 تولید تر یک افغانستان به مقدار ده برابر رشد نمود و از مقدار 250 تن به «2000» تن ارتقا یافت. فقط پس از دو سال حمایت مخفی «اسیا» از جنگجویان افغان، دادستان کل ایالات متحده امریکا در سال 1981 اعلام داشت که پاکستان به منبع تامین کننده 60% هیروین شهروندان امریکا مبدل شده است. در ساعات اروپا و روسیه هیروین «افغان - پاکستان»، به زودی بخش اعظم مارکیتهای منطقه را به خود جلب نموده و در حالیکه در داخل پاکستان تعداد معنادار به رقم صفری خویش در سال 1979 قرار داشت، فقط پنج سال بعد تر، این رقم به 1.2 میلیون تن ارتقا نمود.

بعد از سرمایه گذاری 3 بلیون دالر برای ویرانی افغانستان، و اشگتن در سال 1992 افغانستان را ترک کرد و در عقب خویش یک افغانستان ویرانه را با یک میلیون کشته، 5 میلیون مهاجر و حدود 10-20 میلیون ماین زمینی، تا سیسات ویران، اقتصاد ورشکسته، جنگ سالاران مسلح قبایلی که آماده جنگ با هم در رابطه با کنترل پایتخت اند، بجا گذاشت. حتی زمانیکه بلاخره و اشگتن هزینه جنگ مخفی سیا را در پایان سال 1991 قطع نمود، اما «آی اس آی» پاکستان تلاش نمود تا از جنگ سالاران محلی مورد نظر خویش حمایت نموده تا اهداف دائمی خویش را برای برقراری رژیم مورد نظر در کابل تعقیب نماید؛

تریاک سا لاران، "اژده‌ها دندا نان" جنگ جویان دوران سالهای 90، جنگ سا لاران بیرحم محلی با امکا تا سلاح و تریاک، در یک توطنه شیطنت آمیز، به حیث بخشی از مبارزه بیرحمانه برای قدرت، همه پدیده‌های بودند که مثل که این "اژده‌ها دندا نان" مانند افسانه‌های باستانی در خاک افشاند شده بودند و قادر بودند تا بطور ناگهانی در میان هر نوع ارتش مجهز جنگ جویان، کسانیکه با شمشیر جنگ از زمین پدید آمده بودند، پرش نمایند.

زمانیکه سرانجام نیروهای مقاومت شمال کابل را از تصرف رژیم کمونست (!) که مدت سه سال پس از خروج نیروهای شوروی مقاومت کرد، بیرون نمود، پاکستان هنوز هوا دارخویش حکمتیار را حمایت مینمود. وی توپخانه جنگی خویش را در اطراف شهر محاصره شده کابل جا بجا نمود، که باعث قتل 50 هزار افغان دیگر گردید، اما با آنها، تناسب این کشتار بزرگ و تاریخی، نتوانست تا سرنوشت حکمتیار این بنیادگرایی بدنام را بر اورنگ قدرت در کابل تسجیل نماید، لذا «آی اس آی» نیروی جدیدی را بنام طالبان مسلح ساخت که در سپتامبر سال 1996 کابل را تصرف نمودند تا محض با نیروهای اتحاد شمال برای مدت پنج سال در دره‌های شمالی پایتخت جنگ نمایند؛

در جریان این جنگ به ظاهر پایان ناپذیر، جناح‌های رقیب بطور عمده بر تولید تریاک تکیه نمودند تا هزینه جنگ را عمدتاً با ازدیاد میزان دو برابر تریاک یعنی ارتقای 4600 تن در سال 1999 تدارک نمایند. در جریان دوده جنگ و 20 برابر افزایش میزان تولید مواد مخدر، افغانستان خود به آهستگی از کشور دارای سیستم متعدد زراعتی، مالدار و باغداری و تولید بیش از 60 نوع محصولات زراعتی، به اولین کشور که اقتصادش محض بر یگانه مواد ناخالص مخدر متکی گردید، انتقال یافت؛ و محیط شکننده انسانی اش بطور بیسابقه ویران گردید؛

رژیم طالبان پس از تصرف قدرت در سال 1996 باعث تشویق زرع خشخاش در سراسر کشور گردیدند، که در این رویکرد حجم تولید تریاک را دو چند ساخته و آنرا به 4600 تن معادل 75% هیروین جهان افزایش بخشیدند. رژیم طالبان با ارائه سیگنالهای حمایت‌شان از تولیدات مواد مخدر به جمع آوری 20% مالیات از تولید سالانه تریاک مبادرت نموده که بدینوسیله حدود «100 میلیون دالر، سالانه نفع برداری مینمودند. در جریان سالهای 1990، افزایش میزان محصولات تریاک در افغانستان، باعث تجارت قاچاق بین‌المللی گردید که حوزه آسیای مرکزی، روسیه و اروپا را به مارکیت سلاح، مواد مخدر و مارکیت "پول-قاچاق"، پیوست ساخت. این پدیده همچنان باعث وقوع شورش‌های قومی در ساحه 5000 کیلومتر از بکستان در آسیای مرکزی تا بوسنیا در حوزه بالکان گردید؛

مگر در جولای سال 2000 ملا عمر رهبر طالبان بطور ناگهانی فرمان قطع کامل کشت خشخاش را به منظور کسب شناسایی حکومت اش از جانب کشورهای جهانی صادر نمود، که بطور قابل ملاحظه عمدتاً شب هنگام، رژیم طالبان با کاربرد ستم بیرحمانه یعنی رویش‌های را که به آن شهرت داشت، بکار برد تا اینکه محصولات تریاک را از میزان 94% به 185 تن کاهش داد. اما در نتیجه با توجه به اینکه بخش‌های بیشتر افغانستان به سیستم مالیاتی خشخاش، عواید صادراتی و مشاغل کاری به آن وابسته شده بود، در عمل ممنوع ساختن کشت خشخاش حکم "خودکشی اقتصادی" را داشت که قبلاً جامعه ضعیف افغانستان را به پرتگاه سقوط گشایده بود. در واقع این یک سلاح اشتباه آمیزی بود که ایالات متحده آمریکا از آن در هنگام عملیات نظامی اش در اکتوبر 2001، خوب استفاده نمود که در نتیجه رژیم بدون تریاک قبلاً به گلوله توپ میانی منتهی می‌شد که به انفجار نخستین بمب‌های امریکایی متلاشی گردید.

برگشت سیا، تریاک و فعالیت های ضد دهشت انگیز برای شکست طالبان پس از حادثه یازده سپتمبر، باعث شد تا "سی آی ای" بطور موفقیانه توانست تا جنگ سالاران سابق و تاجران هروین را سازماندهی نموده تا شهرها و قصبه ها در مناطق شرقی افغانستان تصرف نمایند. به عبارت دیگر سازمان سیا و متحدین محلی آن موقعیت ایده آل را برای بازگشت مجدد تریاک و احیای مجدد قاچاق مواد مخدر که در زمان طالبان منع شده بود، ایجاد نمودند. فقط چند هفته بعد از سقوط طالبان، ما مورین، از فوران کشت خشخاش در هلمند «قلب هروین» و ننگرهار خبر دادند.

بعد از سرمایه گذاری مبلغ 3 میلیارد دلار برای ویرانی افغانستان در هنگام جنگ سرد، واشنگتن و متحدین اش حالا برای احیای مجدد، جهت تأمین فوند مالی به اقدام خسیسانه و مسمکانه مبادرت ورزیده، چنانچه در کنفرانس "توکیو" در سال 2002، دو نران بین المللی تنها تا دیه مبلغ 4 میلیارد دلار را از رقم 10 میلیارد دلار مورد ضرورت برای بازسازی افغانستان طی جریان پنج سال، مورد تصویب قرار دادند، علاوه بر آن مبلغ 22 میلیارد دلار پول مصرفی ایالات متحده امریکا طی سالهای 2003-2007، به طور سریع به بخش های فعالیت های نظامی چرخش نمود که بطور نمونه تنها مبلغ 237 میلیون دلار از مجموع کل پول متذکره در بخش زراعت تخصیص یافت. (طوریکه در عراق مقدار هنگفت از هزینه ساختمانی در کیسه قرار دادن خارجی و دلالان داخلی شان سرازیر گردید).

تحت چنین شرایط هیچ کس نباید تعجب نماید که در جریان سال اول تاج و آمریکا برافغانستان، تولیدات تریاک افغانستان به 3400 تن ارتقا نمود. در جریان 5 سال دو نران جامعه جهانی با دید مبلغ 8 میلیارد دلار برای احیای مجدد افغانستان کمک می نمودند، در حالیکه تولید تریاک دو برابر این مبلغ افزایش نمود، و مبلغ 14 میلیارد دلار مستقیمادراقتصاد روستای بدون تصرف آن از جانب متخصصین غربی و حکومت بیرونی تریاک داخل گردید.

بعد از 5 سال اشغال افغانستان بوسیله امریکا، تولیدات مواد مخدر افغانستان، به یک تناسبی سابقه ارتقا نموده است، در اگست 2007 ملل متحد راپور داد که ساحه محصولات تریاک حدود 20000 هکتار را تحت پوشش قرار داده است البته ساحه که بزرگتر از تمامی ساحه مورد زرع کوکائین در امریکای لاتین است. از مقدار 185 تن در آغاز تجاوز امریکا در افغانستان، این رقم به 8200 تن تریاک ارتقا نمود که 53% محصولات ناخالص ملی و 93% هروین جهان را دربرمیگیرد؛ که به این طریق افغانستان به صورت واقعی به اولین کشور مخدر جهان مبدل گردید. هرگاه تریاک کوکائین در کشور کوئیمبا 3% عواید ناخالص ملی را احتوا نموده و آن را به یک کشور ضعیف و شرارت پاییان ناپذیر، با "کارتل" های نیرومند که قادر اند تا حکومت آن کشور را به فساد گسترده آغشته نمایند، پس حالا ما باید عواقب تأثیرات آنرا در کشور افغانستان که بیش از 50% محصولات کامل اقتصادی کشور را دربرمیگیرد به سنجش بکشیم؛

در ماه مارچ در یک کنفرانس مواد مخدر در کابل، رئیس فدرال سرویس مواد مخدر کشور روسیه تخمین کرد که میزان ارزش محصولات تریاک در افغانستان در حال حاضر به «65» میلیارد دلار ارتقا نموده که از جمله آن مبلغ بزرگ تنها 500 میلیون آن به کیسه دهان، 300 میلیون آن به کیسه جنگجویان طالب و «64» میلیارد دلار آن به جیب مافیای مواد مخدر سرازیر شده که بدینوسیله منبع بزرگ مالی را تدارک جسته تا حکومت

کرزی را با ملتی که محصولات نا خالص ملی ش تنها 10 میلیارد دالر است به چالش کشیده ،به فساد آغشته نماید .

در حقیقت تا ثیرات معاملات تر یاک چنان سرایت بخش است که بسیاری ما مورین افغان ، از رهبران محلی گرفته تا ریس پولیس کابل ، تا وزیر دفاع و برادر ریس جمهور آقای حامد کرزی در تجارت آن در گیر شده اند . این فساد چقدر سرطانی و فلج کننده است که بطور گیج کننده بر اساس تخمین اخیر ملل متحد ، افغان ها از پرداخت مبلغ « 2.5 » میلیارد دالر رشوه (برای ما مورین حکومت - م) رنج میبرند . بطور نه چندان تعجب انگیز تلاشهای اخیر حکومت برای قلع و قمع تر یاک از طریق ملل متحد مورد سوء ظن واقع شده است ، چنانچه ملل متحد آنرا « معاملات فساد میان صاحبان زمین ، سران محلی و تیم نا بود سازی » نامیده است ؛

بعد از ریکارد محصولات در سال 2007 ، تولیدات تر یاک در حقیقت طی سال گذشته از رقم 8200 تن به 6900 تن کاهش نمود (هنوز بالاتر از 90% تولیدات تر یاک در جهان) . تحلیلگران ملل متحد این رقم کاهش 20% را به تلاش های محو سازی کشت خشخاش نسبت داده که به احتمال قوی عوامل اصلی آن از اشباع کامل هیروین در مارکیت های جهانی نشئت نموده که از ارتقای رشد سرسام آور تو لید تر یاک در افغانستان سر چشمه گرفته و باعث تنزل 34% نرخ آن در مارکیت های جهانی شده است ؛ حتی با اینهمه با وجود این کاهش ، تولید تر یاک افغانستان بالاتر از میزان تقاضای جهان که بر اساس تخمین ملل متحد سالانه 5000 تن میباشد ، احراز موقعیت نموده است ؛

راپور های مقدماتی سال 2010 در خصوص تولید تر یاک افغانستان که زرع آن ماه آینده آغاز می یابد ، مبین آنست که مشکل مواد مخدر در افغانستان رفع شدنی نیست . برخی از ما مورین ایالات متحده امریکا که از نزدیک "قلب تر یاک" در هلمند را بازدید نموده اند ، از علامت توسعه کشت خشخاش در آن ولایت سخن میزنند . حتی متخصصین ملل متحد که تداوم کاهش مواد مخدر در افغانستان را پیشبینی نموده بودند اکنون نسبت به این تمایل ، چندان خوشبین بنظر نمی رسند .

قیمت مواد مخدر در افغانستان ممکن برای مدت چند سال کاهش نماید اما قیمت محصولات گندم و دیگر محصولات عمده ممکن بیشتر و سریعتر از آن سقوط نموده و خشخاش به حیث پر منفعت ترین محصول برای داهقین بی بضاعت افغانستان باقی خواهد ماند .

برای پایان بخشیدن چرخش مرگ و مواد مخدر با اینهمه نیرو های "ازده ها دندان" که در خاک افغانستان قرار دارد ، چنان مینماید که وا سنگتن در میان این چرخ بی پایان مرگ و مواد مخدر گیر مانده است . هر بهار سال در میان کوه های بزرگ و مرتفع ، برف ها ذوب میشوند ، دانه های خشخاش جوانه میزنند و نیرو های تازه نفس طالبان به مزارع می ریزند ، تعداد زیاد بوسيله آتش مرگبار توپخانه امریکای ها جان می سپارند . سال بعد برف ها دوباره آب می گردند . خشخاش های تازه بر زمین می رویند و نیرو های جوان طالب علیه امریکای ها سلاح بر میدارند ، که خونریزی زیادی را در قبال میداشته باشد . این چرخ برای مدت 10 سال مکررا در چرخش بوده است و تا اینکه تغییرات عمده بوقوع نیبوند این سناریو تا لایتناهی سیر خواهد نمود .

منبع : آسیا تایمز - مورخ اول اپریل 2010

